

The Place of Sahleh (Tolerance) and Samheh (Forbearance) in Marriage and the Role of Islamic Government in this Regard¹

Narges Ariannejad

PhD. Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. nan@gmail.com

Alireza Asgari

Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding author). as@gmail.com

Seyyed Hasan Abedian

Assistant Professor, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
hac@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the application of the principles of Tasāhol (tolerance) and Tasāmoh (forbearance) in marriage with an emphasis on the current social condition. The method of study is analytic-descriptive and the results showed that some important principles of marriage that are evident in the words of infallible Imams (AS) cannot be ignored. However, many cultural, financial, academic and ... differences that are sometimes created as a result of selfishness, fastidiousness, and willingness to a totally successful marriage (perfectionism); can postpone the normal age of marriage. In this regard, it is needed to facilitate the sacred way of marriage by giving up fastidiousness. With respect to the duty of maintaining family institution that is the responsibility of the Islamic system; the state and government of the Islamic Republic of Iran is obliged to propagate the culture of Tasāhol in marriage by making some decisions particularly in cultural issues so that the sacred measure of marriage would be possible for all the youth in the country.

Keywords: Sahleh (Tolerance), Samheh (Forbearance), Tasāhol (Tolerance), Tasāmoh (Forbearance), Religious Rules, Islamic Jurisprudence, Marriage, Family.

¹ Received: ۲۰۲۰/۱۲/۰۹ ; Revised: ۲۰۲۰/۱۲/۳۰ ; Accepted: ۲۰۲۱/۰۱/۱۴

جایگاه سهله و سمحه در ازدواج و نقش نظام اسلامی در این مورد^۱

نرگس آرین‌نژاد

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. nan@gmail.com

علیرضا عسگری

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). as@gmail.com

سید حسن عابدیان

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hac@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کاربرد قواعد تساهل و تسامح در مسئله ازدواج با تاکید بر وضعیت اجتماعی کنونی آن است. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و نتایج نشان داد که برخی اصول مهم برای ازدواج که در کلام معصومین (ع) مشهود است، تساهل ناپذیرند. اما بسیاری از اختلافات فرهنگی، مالی، علمی و... که گاه بر اساس خودخواهی و گاه به واسطه سخت‌گیری و تمایل به یک ازدواج کاملاً موفق پدید آمده است؛ می‌تواند به سمت خارج شدن از سن متعارف برای ازدواج بیانجامد. در این راستا نیاز است تا با کنار گذاردن سخت‌گیری، در راه این امر مقدس تسهیل نمود. با توجه به وظیفه حفاظت از محیط خانواده که بر دوش نظام اسلامی قرار دارد؛ حکومت و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است که با اتخاذ تصمیماتی که مسائل فرهنگی در رأس آن قرار دارد، نسبت به ترویج فرهنگ تساهل در ازدواج اقدام کند تا امکان انجام این امر مقدس برای همه جوانان کشور میسر گردد.

کلیدواژه‌ها: سهله، سمحه، تسامح، تساهل، احکام دینی، فقه اسلامی، ازدواج، خانواده.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ ؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

در تمام مسائل زندگی، سخت‌گیری و یا سهل‌انگاری وجود داشته و دارد. به صورت عمومی، چنین بیان شده که تعادل در هر کاری نیاز است و اگر هر مسئله‌ای از حالت تعادل خارج شود، زیان‌بار خواهد بود. روان‌شناسان معتقدند که سخت‌گیری و سهل‌انگاری، هر دو به یک اندازه اثر منفی در پی خواهد داشت. مثلاً بازرسی قانونی در یک امر تخصصی، اگر سخت‌گیری زیادی از خود نشان دهند، بی‌قانونی رواج بیشتری خواهد داشت. هم‌اکنون تعداد زیادی از مشترکان غیرقانونی گاز، پس از بازجویی چنین بیان داشته‌اند که سخت‌گیری بیش‌ازحد بازرسی نظام مهندسی و صرف هزینه‌های زیاد به واسطه آن، فکر استفاده غیرقانونی از شبکه گاز را تقویت نموده که اگر این سخت‌گیری متعادل بود، دست به این اقدام نمی‌زدند. از این قبیل مثال‌ها فراوان است. یکی از مصادیق سخت‌گیری و سهل‌انگاری، دین‌داری است. همان‌طور که امروزه شاهد هستیم، افراط‌گرایی در دین اسلام به حدی رسیده که ابزاری در دست دشمنان اسلام قرار داده و با استناد به تفاسیر افراطی و سخت‌گیرانه از این دین آسمانی، چهره‌ای منفور از آن را عرضه کرده که طبیعتاً استفاده دشمنان اسلام از این قضیه غیرقابل‌انکار است. در عین حال، مشاهده شده که افرادی با اظهار بی‌دینی، خود را از تقید رها دانسته و به همین جهت موجب رواج اعمال خلاف شرع، همچون بی‌حجابی شده‌اند. متعادلین در دین اسلام، می‌توانند ضمن تقریب به خدای یکتا، زندگی مملوء از صلح و دوستی داشته و در پناه اسلام به سعادت برسند. تحقیقات زیادی در زمینه سهله و سمحه بودن دین انجام شده و هر یک به نوعی، قاعده مذکور را در مسائل مختلف همچون مسائل اجتماعی، سیاسی، دینی و... تفسیر کرده که عمده تحقیقات در مورد رعایت احکام دین است. در حال حاضر مسئله ازدواج به یک معضل اجتماعی مبدل شده و به اصطلاح، سن متعارف ازدواج، برای خیلی از جوانان ایرانی گذشته است. ازدواج در سنین بالا مشکلاتی را به همراه داشته که دغدغه مهم مسئولین دولتی، تسهیل امر ازدواج و تشویق جوانان به ازدواج به موقع است.

در تحقیقات مختلف، یکی از علل ازدواج‌های دیرنگام، فرهنگ‌سازی نامناسب عنوان شده و سیاست‌های فرهنگی دولت در مورد ازدواج تاکنون ناموفق ارزیابی شده است. از مطالعات اجتماعی و فرهنگی، چنین برمی‌آید که سخت‌گیری در ازدواج بین جوانان رایج شده و هر یک معتقدند که با سخت‌گیری، می‌توانند شریک دارای تفاهم را یافته و سپس ازدواج نمایند. از طرف دیگر، تعالیم دینی به عدم سخت‌گیری در ازدواج توصیه کرده‌اند و چنین بیان

شده که این امر مقدس در اسرع وقت می‌بایست انجام شود؛ هرچند که دقت در تفاهم و علاقه‌ها برای یک ازدواج موفق ضروری است، اما نباید با سخت‌گیری فراوان در این امر مقدس، سن متعارف آن را به تعویق انداخت. در این پژوهش، ابتدا در مورد قاعده سهله و سمحه توضیحاتی داده شده و سپس کاربرد آن در امر ازدواج شرح داده شده است.

۲. نوآوری پژوهش

تحقیقات در مورد قواعد تساهل و تسامح در ابعاد متنوع انجام شده، اما تاکنون کاربرد این قواعد در ازدواج بررسی نشده و این مورد، نوآوری پژوهش کنونی است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای اجتماعی و مدنظر قرار دادن موارد مرتبط و تطبیق آن با اسناد فقهی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های فقهی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالافتضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی است؛ همچنین، روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی توصیفی است.

۴. سهله و تساهل

در فرهنگ‌های لغت، از کلمه «سهله» معنی خاصی به دست نیامده و معادل فارسی آن تعریف نشده است. اما اگر به ادبیات عرب، نگاهی انداخته شود، سهله از ریشه سهل آمده و در لغت به معنای مرد نرم‌خوی (دهخدا، ۱۳۴۸، ص ۳۵۱)، راهی که آسان بتوان گذشت (معین، ۱۳۹۰، ص ۵۴)، آسان (معین، ۱۳۹۰، ص ۶۵)، آسان‌گیری و آسان کردن آمده است. واژه‌های سهله و تساهل از این ریشه اخذ شده‌اند. در مورد تساهل نیز آمده است که معنای آن سهل گرفتن (عمید، ۱۳۹۴، ص ۴۳) و آسان گرفتن بر یکدیگر (عمید، ۱۳۹۴، ص ۴۳) آمده است. در اصطلاح کلی با توجه به

ریشه کلمه سهل به معنای آسان (رحمانی و عبدالله، ۱۳۹۶، ص ۳۲۲)، می‌توان تساهل و تسامح را به معنای عدم سخت‌گیری در یک امر دانست، چراکه گاه در یک امر سخت‌گیری شده و همین امر، به زیان‌هایی برای افراد منتهی می‌شود. تساهل به‌طور کلی عبارت است از قبول و پذیرش آنچه قبول نیست و به آن اعتراض است؛ اما این اعتراض، همواره همراه با خویشتن‌داری و صیانت خود از طرد و انهدام یک تفکر و یا یک اندیشه است. به‌عبارت دیگر، تساهل پذیرش مطلق نیست، بلکه جمع اعتراض و پذیرش است. طرفداران اندیشه تساهل و قائلین به عدم تساهل، حول یک اعتقاد بنیادین می‌چرخند و آن تبیین زندگی و هدف است. در نظر قائلین به عدم تساهل، هدف از این زندگی، جهان آخرت بوده و باید به‌گونه‌ای زیست که به رستگاری جهان آخرت نائل گشت (احسانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۰).

۵. سمحه و تسامح

ریشه کلمات سمحه و تسامح از «سمح» است. سمح در لغت به معنای بخشیدن (دهخدا، ۱۳۴۸، ص ۴۳) و آسان‌گرفتن (معین، ۱۳۹۰، ص ۵۴) آمده است. در این مورد، گستره چندانی در کتب لغت مشاهده نمی‌شود. اما در مورد سمحه، معنای زن جوانمرد ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۴۸، ص ۸۵). در مورد تسامح نیز سهل‌انگاری (عمید، ۱۳۹۴، ص ۴۳) و مدارا کردن با یکدیگر (معین، ۱۳۹۰، ص ۶۷) آمده است. تساهل مترادف با تسامح آمده است. بدین‌معناکه در اصطلاح، آسان‌گیری به آن معنا که در تساهل ذکر شده، برای تسامح نیز ذکر شده است. تسامح به معنای آسان‌گیری از باب جوانمردی است و تساهل بیشتر به معنای آسان‌گیری به‌صورت مستقیم بیان شده بود. اما این دو واژه در اصطلاح فقهی به‌صورت مترادف به‌کار گرفته شده‌اند. نتیجه اینکه تسامح به معنای گذشت از برخی خطاهای کوچک است که در نهایت به همان معنای آسان‌گیری می‌رسد.

۶. تسامح و تساهل

تسامح و تساهل که اکنون رواج یافته و کاربرد فراوان در گفت‌وگوهای علمی پیدا کرده، از مصدر باب تفاعل است و به‌نظر می‌رسد با سمحه و سهله‌ای که در متون دینی و سخنان پیامبر اکرم (ص) به‌کار رفته است، اندکی فرق دارد؛ زیرا در تسامح و تساهل، گونه‌ای رویارویی و دوسویه بودن نهفته است. در حقیقت، نرمی و گذشت و مهرورزی و مدارای یک‌سویه، بستگی به طرف مقابل پیدا می‌کند. اگر او آسان‌گیر و اهل گذشت باشد، با وی به نرمی رفتار می‌شود، ولی اگر اهل گذشت و آسان‌گیری نبود، خیر (نظری، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

هر دو سو، باید از این ویژگی برخوردار باشند و نگهداشت آسان‌گیری و گذشت را بکنند. نگهداشت یک‌سویه این ویژگی، بی‌اثر است؛ ولی در سمحه و سهله که در روایات از آن سخن رفته، مسئله دوسویه نیست، بلکه نگاه از افق بازتر و بالاتری است. شریعت اسلام، در حقیقت، از پیروان خود می‌خواهد که برخورد کریمانه با دیگران داشته باشند و روح سماحت و سهولت را همیشه و در همه حال، در خود زنده نگهدارند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۴).

برابر این اصطلاح و در زبان اروپا از کلمه تولرانس^۱ استفاده شده است که از ریشه، به معنای تحمل، پذیرش و به دوش کشیدن است و بیشتر اکنون در اصطلاح فرنگیان در بی‌قیدی و رهاسازی و بی‌تفاوتی و سازش‌کاری به کار می‌رود (همان).

۷. انواع تساهل و تسامح

تساهل و تسامح برحسب موضوع به گونه‌های زیر است (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۷-۱. تساهل عقیدتی و دینی

با رجوع به آیات، روایات و بیانات گهربار حضرت امام خمینی معلوم می‌شود که اسلام همواره بر رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان دیگر ادیان، تأکید وافر داشته‌اند و مسلمانان، مفاهیمی هم‌چون حقوق بشر، آزادی و اصل مدارا و تساهل را، نه تنها از غرب برنگرفته‌اند، بلکه قرن‌ها پیش از آنان، اسلام در این زمینه پیش‌رو بوده است. قرآن کریم در آیات بی‌شماری، اصل تساوی حقوقی انسان و نفی هرگونه تبعیض نژادی، قومی، زبانی و غیره را مورد تأکید قرار داده است که مبنای مهم تسامح به‌شمار می‌رود. پس کمال بی‌انصافی است که هم‌صدا با اکثر دانشمندان مغرب زمین و نیز برخی از مشرق‌زمینی‌ها بگوییم، جهان غرب، پرچم‌دار دفاع از حقوق بشر، آزادی عقیده، احترام به آرای مخالفان، اعطای آزادی و تسامح و مدارا بوده است و حتی آن را از اصول مدرنیته و به‌عنوان فرهنگ و تئوری بدیع پذیرفته و به جهان اسلام عرضه بداریم و ادیان الهی همچون دین اسلام را به بی‌توجهی از آن‌ها، متهم سازیم. در حال اسلام، دین با

^۱ Tolerance

گذشت و آسان‌گیری است و امام که از پرچم‌داران به نام و به‌حق آن دین مبین است، تأکید وافر به آن داشت (مرادی، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

۲-۷. تساهل سازمانی

عبارت است از شناسایی حق گردهمایی نسبت به صاحبان عقاید مخالف که مرحله‌ای پیشرفته‌تر از تساهل دینی است.

۳-۷. تساهل هویتی

یعنی اعمال تساهل نسبت به ویژگی‌هایی که تحت اختیار نمی‌آید؛ مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه و فرهنگ و دارندگان آن ویژگی‌ها.

۴-۷. تساهل رفتاری

اغلب نسبت به شیوه پوشیدن لباس یا روابط اجتماعی صورت می‌گیرد. از این میان، تساهل در دایره دین و به‌ویژه، دین مبین اسلام اهمیت خاصی دارد. این تساهل بیشتر به نتایج حاصل از عقیده‌ای خاص نظر دارد، و مقولاتی همچون مصالح قدرت عمومی و نظم جامعه و صلاح عام را در بر نمی‌گیرد. جوهره دفاع از تساهل دینی این است که چون ایمان واقعی، ایمانی قلبی و صمیمانه است و تظاهر به اعتقاد به معنی اعتقاد راستین نیست، بنابراین، تحمیل عقاید و عدم تساهل موجب گسترش ریاکاری می‌شود که از نظر دین ناموجه است. به‌علاوه، عدم تساهل، باعث دشواری تشخیص مؤمن از منافق می‌گردد (طوسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۴۶؛ نوایی، ۱۳۷۹، ص ۳۰). آیات متعددی بر این قاعده، دلالت صریح یا ضمنی دارند. آیاتی که در کلیات، به آن‌ها اشاره شد و یا با مضمونی مشابه آن (بقره، ۲۸۶؛ مائده، ۶) نشانه قاعده تساهل و تسامح هستند.

۸. مدرک و مستندات قاعده

در اینجا اهم آیات مرتبط با تفسیر موضوع، به‌صورت فهرست‌وار آورده شده است.

○ «... هیچ‌کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند...» (بقره، ۲۳۳).^۱

^۱ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

- «... ما هیچ کس را جز به قدر توانایی و طاقت تکلیف نکرده ایم...» (انعام، ۱۵۲).^۱
- «و آنان که ایمان آوردند و در کار نیک و شایسته کوشیدند؛ زیرا ما کسی را بیش از وسع تکلیف نکنیم...» (اعراف، ۴۲).^۲
- «ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که آن کتاب به حق سخن گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد» (مؤمنون، ۶۲).^۳
- «پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست» (انشراح، ۵).^۴
- «مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه زن شیرده دهد، و آن که وادار و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (تولنایی) داده تکلیف نمی کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد» (طلاق، ۷).^۵
- آیه ای که به آیه تخفیف مشهور است: «خدا می خواهد کار بر شما آسان کند، که انسان ضعیف خلق شده است» (نساء، ۲۸).^۶
- «(با این عهد و اقرار) باز شما (به همان خوی زشت) خون یکدیگر می ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان همدست و پشتیبان یکدیگرید، و چون اسیر شوند برای آزادی آن ها فدیة می دهید، در صورتی که به حکم تورات، اخراج کردن آن ها بر شما حرام شده است! چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می شوید؟ پس جزای چنین مردم بدکردار چیست به جز ذلت و خواری در زندگانی این جهان و بازگشتن به سخت ترین عذاب در روز قیامت؟ و خدا غافل از کردار شما نیست» (بقره، ۸۵).^۷

^۱ «أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَي طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ»

^۲ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِكْرَامًا وَسُعْمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

^۳ «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِكْرَامًا وَسُعْمًا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

^۴ «فان مع العسر يسرا»

^۵ «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفْسِقْ فَمَا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِكْرَامًا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»

^۶ «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»

^۷ «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى فَغَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُمُونَنَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِذَا خِزَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»

- «خدا هیچ کس را تکلیف نکند؛ مگر به قدر توانایی او، نیکی‌های هر کس به سود او و بدی‌هایش نیز به زیان خود اوست. پروردگارا، ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا کرده‌ایم مؤاخذه مکن. بار پروردگارا، تکلیف گران و طاقت‌فرسا که بر پیشینیان ما نهاده‌ای بر ما مگذار. پروردگارا، بار تکلیفی فوق طاقت ما بر دوش ما منه، و بیامرز و ببخش گناه ما را، و بر ما رحمت فرما، تنها آقای ما و یاور ما تویی، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما» (بقره، ۲۸۶).^۱
- «ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دست‌ها را تا موفق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید، و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافرید یا یکی از شما را قضاء حاجتی دست داده و یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب نیاید در این صورت به خاک پاک و پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک صورت و دست‌ها را مسح کنید (تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد هیچ‌گونه سختی برای شما قرار دهد، ولیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او به‌جای آرید» (مائده، ۶).^۲
- «و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) به‌جای آرید (و در طلب رضای او به‌قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده (و این آیین اسلام) مانند آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را پیش‌ازاین (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا این رسول بر شما و شما بر سایر خلق، گواه (خداپرستی) باشید، پس نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا (و کتاب او) متوسل شوید، که او مولی (و پادشاه و نگهبان و حافظ و ناصر) شماست و نیکو مولی و نیکو ناصری است» (حج، ۷۸).^۳
- «خدا می‌خواهد کار بر شما آسان کند، که انسان ضعیف خلق شده است» (نساء، ۲۸).^۴

^۱ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أَحْسَبَتْ رَبَّنَا لَا تَأْخُذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلُ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

^۲ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

^۳ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

^۴ «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»

○ «و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد. هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند، نه هادر باید در نگرهبانی فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود. و اگر کودک را پدر نبود؛ وارث باید در نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر بگیرند هر دو را رواست، و اگر خواهید که برای فرزندان، دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی به متعارف بدهید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به کردار شما بیناست» (بقره، ۲۳۳).^۱

○ «و ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی او تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است (از لوح محفوظ الهی) که آن کتاب سخن به حق گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد» (مؤمنون، ۶۲).^۲

○ «پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست» (انشراح، ۵).^۳

پیام کلی آیات، عدم سخت گیری در دین بوده که در ادامه تفاسیر آن ها بیان شده است.

مقرر شدن روزه بر امت های گذشته، برای این است که مسلمانان بدانند، روزه تکلیف طاقت فرسایی نیست و انسان های گذشته نیز توان آن را داشته و خداوند سختی برای امت اسلام قرار نداده است؛ استثناء کردن مسافران، بیماران و کم طاقتان از روزه ماه رمضان نیز برای آسان نمایاندن آن است. بیان فواید روزه -مانند رساندن انسان به مقام تقوی و یا اینکه انجام آن، نوعی بزرگداشت خداوند و شکرگزاری به درگاه اوست- برای ترغیب به روزه داری است؛ در نتیجه، خداوند می خواهد که برای انسان تکالیفی را وضع کند و او را به نحوی به دستورهای خود پایبند سازد، ولی هیچ گاه نمی خواهد دستورهایش، بدون دلیل باشد. آیات مذکور، نشان می دهد که اساساً راه و روش خداوند، به دشواراندازی انسان نیست؛ به ویژه اگر به جمله «و علی الذین یطیقونه» توجه شود که مرادش افراد دارای طاقت روزه است، که روزه

^۱ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

^۲ «وَلَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

^۳ «فَإِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

گرفتن برایشان مشقت دارد. مصداق‌های این جمله، زنان و مردان پیر، افراد دیانتی، زن آبستن، زن بچه‌شیرده و مانند ایشان است که طاقت روزه‌گرفتن را ندارند، ولی به‌دشواری می‌افتد، معلوم می‌شود که دین، خواسته با تکالیف و دستورهایش، افراد را به مشقت و حرج نیندازد. خدا در تکالیف معین شده، آسانی و سهولت را می‌خواهد، نه دشواری (ضیاء، ۱۳۷۷، ص ۲۵؛ حسینی‌زادگان، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

هنگامی که فرد مکلف برای نماز برمی‌خیزد، نیاز به وضوگرفتن دارد؛ مگر در حالت‌های خاص که یا قبلاً وضو گرفته یا جنب شده و غسل به گردنش آمده و وضو برایش بس نیست. حال اگر فردی مریض است و آب برایش ضرر دارد و یا مسافری است که معمولاً از نظر آب و یا محل، برای وضو یا غسل در تنگنا می‌افتد، می‌تواند به‌جای وضو یا غسل، دست‌ها را به خاک پاک بزند و به قسمتی از سر و دست‌ها بکشد. آیه روشن می‌کند که کافی بودن تیمم به‌جای غسل و وضو، تنها برای راحتی و به مشقت‌نیفتادن مکلف است، تا با این فرمان‌برداری روح خود را تطهیر کند (عبده، ۱۳۳۰ق، ج ۱، ص ۴۳؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۸۵).

در پاسخ به این که اگر خداوند می‌خواست بر مکلف آسان بگیرد، می‌بایست در حالت سختی، وضو و نماز را حذف می‌کرد، می‌توان گفت خداوند می‌خواهد که دین در تمامی زندگی افراد و در تمامی حالات حضور داشته باشد؛ تا افراد با یاد او و انجام عبادت، روح خود را تزکیه کنند و به مقام والای انسانیت برسند، و نمی‌خواهد که این حضور، موجبات دل‌تنگی، خستگی و مشقت افراد را ایجاد کند؛ به همین دلیل، در شرایط دشوار به امور آسان رضایت می‌دهد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۳۱).

به‌عبارت دیگر، جایگزین شدن تیمم به‌جای وضو و غسل، در شرایطی که آب وجود ندارد، از مصادیق قاعده «مالایذ کله لایترک کله» است؛ یعنی در حالات معمولی با وضو و غسل، هم بدن تطهیر می‌شود و هم روح، ولی در هنگامی که آب نیست، با اعلام تکلیفی راحت‌تر، مکلف با حرف‌شنوی و اطاعت از خدا، تنها روح خود را تطهیر می‌کند (بهجت، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۱).

این بخش از آیه، نشان می‌دهد که نه در دین اسلام و نه در آیین ابراهیمی، حکم سخت و دشواری وجود ندارد و تلاش و کوشش در راه خدا، باید به‌گونه‌ای باشد که افراد به حرج نیفتانند، چنان‌که اقتضای اسلام چنین است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۸).

با تأمل در احکام و قوانین صادره از شارع مقدس، چنین برداشت شده که این قوانین با تساهل و تسامح برای مکلفان وضع شده است. در اجرای قوانین شرع به وسیله نبی مکرم اسلام و امامان معصوم (ع) نیز نوعی دیدگاه تساهلی و تسامحی مشهود است. در فهم شریعت به وسیله کارشناسان دین در مرحله تعرض ادله باید قاعده تساهل و تسامح (به سبب عمومیت و شمول گسترده آن) به ویژه جنبه ایجابی بودن قاعده، بر دیگر ادله ترجیح داده شود. در فهم شریعت و در استنباط احکام، باید از قاعده تساهل و تسامح به صورت اصلی و اساسی در دین استفاده کرد (تساهل و تسامح در استنباط احکام). این قاعده باید به صورت قاعده‌ای کارساز و عملی در بُعد اجتماعی مدنظر قرار گیرد. در مقرراتی که برای اصلاح جامعه در نظر گرفته می‌شود؛ اگر تمام مراحل گفته شده در بالا مدنظر قرار گیرد؛ قوانین، بسیار کارساز و عملی خواهد شد. بدین معنا که افراد جامعه در این صورت، نه تنها قوانین را رودرو و محدودکننده خود نمی‌بینند، بلکه جوانب مثبت این قوانین مشهود می‌شود و بدین جهت، رغبت به عمل به آن افزون خواهد شد. در واقع، شارع مقدس در جایگاه بهترین و کامل‌ترین قانونگذار، باید الگوی مصلحان جوامع و قانونگذاران قرار گیرد. بنابراین، انعطاف‌پذیری در قوانین اجتماعی از مهم‌ترین ابعاد موفق و مصلح‌بودن این قوانین به‌شمار می‌آید (اسداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱). قاعده تساهل و تسامح، در همه احکام دینی، قابلیت اجرا ندارند. پیش‌تر موارد قابل اعمال شرح داده شد و در این قسمت، اصول تسامح‌ناپذیر، شرح داده شده است.

۹. ازدواج و سخت‌گیری‌های مرتبط بدان

متأسفانه امروزه شاهدیم که بعضی از خانواده‌ها در امر ازدواج، سخت‌گیری‌های بیجا و توقعات مادی بالایی را از خواستگار دارند! از باب نمونه انتظار دارند که خواستگار در ابتدای جوانی، همان موقعیت و شرایط اقتصادی را داشته باشد که آن‌ها پس از سال‌ها کار و تلاش به آن رسیده‌اند. امام باقر (ع) در این باره فرمود: «هرگاه کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین‌داری و امانت‌داری او را پسندیدید به او همسر دهید که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در روی زمین پدید آید» (قاری، ۱۳۵۹ق، ج ۱، ص ۴۵۴؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۱۳۸۴). این روایت شریف، یکی از اصول مهم در امر ازدواج است. صرف‌نظر از علایق و تعصبات دینی، اثر عمل نکردن به این بیان نورانی را می‌توان در جامعه به‌وضوح مشاهده کرد و این سؤال را مطرح کرد که واقعاً چرا برخی توقعات مادی بالا و

^۱ «مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَّوْجُهُ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ»

غیرمنطقی، آن‌هم در این وضعیت بد اقتصادی کشور، بعضی افراد شرایط ازدواج را برای جوانان چنان سخت می‌کنند که در نهایت به ناامیدی از ازدواج ختم شده و باعث کج‌روی و رواج فساد و ناهنجاری آنان در جامعه می‌شود!؟
اینکه جامعه در زمینه ازدواج گرفتار تفاخر و چشم‌وهم‌چشمی‌های مادی، مهریه و جهیزیه‌های آن‌چنانی و توقع‌داشتن ماشین و خانه مستقل از سوی خواستگار شده، جز اینکه تنها شرایط ازدواج را برای جوانان به امری غیرممکن تبدیل می‌کند، چیزی به دنبال نخواهد داشت که طبیعتاً باید منتظر تبعات این سختگیری‌های بیجا در جامعه خود، با رواج ناامنی و فساد و ناهنجاری نیز باشیم (روحانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۴۳).

بی‌شک، می‌توان نکات بسیار جالبی را از ازدواج آسمانی امیرمؤمنان علی (ع) و حضرت زهرا (س) آموخت. از جمله: ساده‌زیستی در تمام شئون زندگی جامعه به‌ویژه ازدواج؛ مراسم عروسی، مهریه (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴۳، ص ۳۵۸)، تهیه جهیزیه و امکانات زندگی و خانه‌ای که این زوج آسمانی در آن سکونت کردند، در ساده‌ترین شکل ممکن بود. خانه‌ای که آن دو بزرگوار، زندگی‌شان را در آنجا آغاز کردند یک‌منزل اجاره‌ای بود که از سوی یکی از اصحاب پیامبر (ص) در اختیار آن‌ها قرار گرفت. اتفاقاً اتاقی که در اختیار حضرت علی (ع) و زهرا (س) قرار گرفت، اتاق مطلوبی نبود و کف آن ناهموار بود و خود امیرمؤمنان کف آن را هموار و درست کرد.

مسلم است که حضرت زهرا (س) خواستگاران متعددی داشت؛ خواستگاران که از جهت مکتب و دارایی، بسیار ثروتمند بودند. ابن‌شهر آشوب می‌نویسد، صعب‌الرحمان بن عوف و عثمان بن عفان که از ثروتمندان بزرگ بودند برای خواستگاری خدمت پیامبر خدا رسیدند. عبدالرحمان عرض کرد: یا رسول‌الله! اگر فاطمه (ع) را به من تزویج کنی، حاضرم یک‌صد شتر سیاه آبی چشم، که بارهایشان پارچه‌های کتان اعلا‌ی مصری باشد و ۱۰ هزار دینار، مهریه‌اش کنم. عثمان نیز اظهار داشت: یا رسول‌الله (ص) من هم به همین مهر حاضرم و بر عبدالرحمان برتری دارم؛ زیرا زودتر مسلمان شده‌ام. پیغمبر اکرم (ع) از سخن آنان سخت خشمگین شد و برای آن‌که بفهماند به مال آن‌ها علاقه‌ای ندارد و داستان ازدواج، داستان خریدوفروش و مبادله ثروت نیست، مشتی سنگ‌ریزه برگرفت و به‌جانب عبدالرحمان پاشید و فرمود: «تو خیال می‌کنی من بنده پول و ثروتم و به‌وسیله ثروت خودت بر من فخر و مباهات می‌کنی و می‌خواهی به‌وسیله پول ازدواج را بر من تحمیل کنی؟» (العدوی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۶).

بی‌شک سختگیری‌های مادی در زمینه ازدواج، هیچ تضمینی برای خوشبختی دختران نخواهد شد، بلکه آنچه می‌تواند تضمین‌کننده زندگی دختران و پسران جوان باشد، داشتن اخلاق و باورهای سالم و بهنجار است. همچنان که آموزه‌های

دینی به دو اصل اخلاق و دین‌داری در انتخاب همسر به شدت تأکید داشته است. به گونه‌ای که نبود هر یک از این دو اصل در زندگی، با وجود رفاه و آسایش مادی، زندگی زوجین را سخت و طاقت‌فرسا می‌کند و منجر به نارضایتی کامل از زندگی مشترک می‌شود. بنابراین، همین‌که جوان امروزی مسئولیت‌پذیر، اهل کار، تلاش و برنامه‌ریزی باشد و بتواند خانه‌ای را به صورت رهن یا کرایه تأمین نماید و از پس هزینه‌های زندگی برآید، کافی است و انتظار بیش از این - آن هم در این شرایط بد اقتصادی - یک خیال‌بافی و ظلم در حق آنان است (داماد افندی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۲۱۳). بنابراین، اگر خانواده‌های دختران و پسران به این موارد و اصول و الگوهایی که اشاره شد توجه کنند و آن‌ها را در زندگی خود و فرزندانشان به کار گیرند، قطعاً این اصول، ضامن خوشبختی دنیوی و اخروی زندگی خود و فرزندانشان خواهد شد. اما اگر از این اصول فاصله بگیرند و زندگی مشترک جوانان را بر پایه تکاثر، تفاخر، تفریح، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری بنا نهند، زندگی آن‌ها آرامش و خوشبختی دائمی را به خود نخواهد دید و دیر یا زود دچار مشکل می‌شوند (مودود، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲).

۹-۱. مصادیق سخت‌گیری‌های نامتعارف در ازدواج

در این قسمت، به مصادیق سخت‌گیری‌های خارج از عرف اشاره و با قواعد تساهل و تسامح تطبیق داده شده است.

۹-۱-۱. هم‌سطح بودن از دیدگاه مالی

مسئله هم‌سطح و هم‌کفو بودن یکی از توصیه‌های مبین دین اسلام، برای ازدواج است و به موجب این دستور که در روایات فراوانی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) ذکر شده است، سطوح خانواده‌ها برای ازدواج، می‌بایست در یک تراز قرار داشته باشد، در غیر این صورت آن ازدواج صحیح نخواهد بود. اما نباید به این مسئله به چشم مطلق نگریست. وضعیت مالی افراد در اعصار مختلف قابل تغییر است و به خصوص در کشور ما ایران که سالیان دراز درگیر تورم‌های سنگین بوده، احتمال تغییر وضعیت مالی افراد زیاد است. همچنین، به عقیده تحلیل‌گران، منظور از هم‌کفو نبودن در کلام بزرگان، اختلاف طبقاتی بسیار فاحش است، به گونه‌ای که سطح فکر افراد به واسطه هم‌تراز نبودن سطح مالی، کاملاً تفاوت داشته باشد. بنابراین، بر این اساس، اختلاف سطوح مالی در حد معمولی نمی‌تواند مصداق هم‌کفو نبودن باشد. در این باره نیاز است که سخت‌گیری کاهش یافته و اختلافات نسبتاً اندک سطوح مالی بین خانواده‌ها، نادیده انگاشته شود. اما برخی دوشیزگان، پا را از این فراتر نهاده و در بدو ازدواج، توقع سطح بسیار بالای مالی از همسر خود دارند که حتی بالاتر از سطح مالی خود دوشیزه است. طبیعتاً چنین توقعی حتی به هیچ وجه در قاعده هم‌کفو بودن

نگنجیده و مصداق یک سخت‌گیری افراطی است. طبیعتاً با چنین سطح توقعی، دیگر مشخصه‌های مثبت خواستگار، همچون اخلاق و تقوا نادیده انگاشته شده و می‌تواند در آینده به زیان دوشیزه تمام شود. بنابراین، در مورد هم‌سطح بودن، قاعده تساهل و تسامح قابل اعمال است و ضرورت داشته که دوشیزگان و خانواده‌های آنان با دیدگاه تسامح به سطح مالی خواستگار توجه کرده و این مسئله برای پسران مجرد نیز قابل تذکر است، چراکه توقع وضعیت مالی مناسب از همسر، دورکننده از هدف اصلی ازدواج است. تنها عدم تراز سطح خانوادگی در سطح فاحش، نیازمند بازنگری در تصمیم ازدواج است (انصاف‌پور، ۱۳۴۶، ص ۵۷).

۹-۱-۲. هم‌سطح نبودن از دیدگاه تحصیلات

تحصیلات در سطوح مختلف بر سطح فکر افراد تأثیرگذار است و می‌تواند در مسائل مرتبط با ازدواج، مؤثر باشد. طبیعتاً با توجه به سطوح فکری و تأثیر تحصیلات بر آن، نیاز است که زوجین دارای سطح تحصیلات یکسان باشند. این مسئله‌ای بوده که می‌تواند خواسته منطقی هر فرد باشد. اما نکته قابل توجه اینکه، در مورد میزان تفاوت سطوح تحصیلی می‌بایست قاعده تساهل را رعایت نمود. مثلاً شخصی که در مقطع کارشناسی ارشد یا دکترا فارغ‌التحصیل شده است، این حق را داشته که همسری با تحصیلات عالی در سطح کارشناسی به بالا را انتخاب کرده تا سطح فکر هر دو به یکدیگر نزدیک باشد. اما متأسفانه دیدگاه‌های سخت‌گیرانه در این باره وجود داشته و مشاهده شده که دوشیزه‌ای با سطح تحصیلات کاردانی، حاضر به ازدواج با خواستگار بدون تحصیلات عالی نبوده و این در حالی است که فاصله تحصیلات بین کاردانی و دیپلم، چندان زیاد نیست. از طرف دیگر، توقع داشتن خواستگاری با سطح تحصیلات بسیار بالا را دارد که این خود بازهم مصداق عدم تراز تحصیلات بوده و نشان از خودخواهی متوقع است. در واقع، اگر دوشیزه تحصیل کرده، توقع داشتن خواستگاری با سطح تحصیلات بسیار بالاتر از خود را داشته باشد؛ این به معنای خودخواهی مطلق وی است. در این مورد نیز، قواعد تساهل و تسامح قابل اعمال است. اولاً خودخواهی در ازدواج می‌بایست کنار گذاشته شود، ثانیاً اختلاف تحصیلات در سطح فاحش، قابل تأمل است ولی اختلاف اندک تحصیلات، نمی‌تواند بر روی سطوح فکر، تأثیرگذار باشد. به خصوص آن‌که، وضعیت اعتقادات به عوامل دیگر به جز تحصیلات نیز بازگشته و می‌بایست تمامی عوامل را مدنظر قرار داد. بر این اساس، نیاز است که با دیدگاه تسامح و تساهل به سطوح مختلف تحصیلات متقاضیان ازدواج نگرسته شود (باقرپور، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

۹-۱-۳. هم سطح نبودن از دیدگاه اعتقادات

اعتقادات به دلایل مختلف می‌تواند زندگی هر فردی را متأثر نماید. در صورت ریشه‌دار بودن اختلاف اعتقادات، این امر می‌تواند به نابودی زندگی مشترک بیانجامد. مثلاً اگر فردی که از پیروان خط امام خمینی و معتقد به نظام اسلامی است، با شخصی دیگر، که از دشمنان کشور بوده و با بیگانگان در نابودی ایران همکاری دارد، ازدواج کند؛ نمی‌تواند زندگی موفقی داشته باشد. ممکن است یکی از طرفین، اعتقادات خود را به خاطر دیگری عوض کند، اما باز هم عدم اعتماد بین آن‌ها وجود داشته و یا ریشه‌های آن اعتقاد، می‌تواند مجدد به بازگشت به مسیر قبلی کمک نماید. معمولاً ریشه‌های اعتقاد، افراد دیگر را به مداخله در این حوزه واداشته و صرف تفاهم و علاقه بین دو نفر، نمی‌تواند به زندگی موفق کمک نماید. در این باره نیز، بزرگان دین، توصیه به رعایت یکسان بودن اعتقادات دارند. اما اگر اعتقادات، چندان ریشه‌ای نبوده و همچنین در صورت صلاحیت اخلاقی طرفین، اینچنین ازدواج‌ها قابل انجام است. در مناطق غرب و شمال غرب کشور، ازدواج‌های متعددی به دو مذهب بزرگ اسلامی، شیعه و سنی انجام شده و در حال حاضر نیز زندگی مشترک طولانی‌مدت، بین آن‌ها مشاهده شده است. تفاهم بین دو نفر از بین دو مذهب مختلف، به سطح اعتقادات دو خانواده وابسته بوده و گاه به دلیل تعصبات بیش از حد مذهبی خانواده‌ها، چنین ازدواج‌هایی یا انجام نشده و یا پس از انجام با مشکلات زیادی روبرو شده است. اما به صورت عمومی، به شرط منطقی بودن اعتقادات و احترام به عقاید یکدیگر، چنین ازدواج‌هایی منعی نخواهد داشت. در این باره، نیاز است که ضمن حفظ هوشیاری و دقت در ازدواج، قاعده تساهل و تسامح در این باره را نیز رعایت کرد و پیروی از تعصبات ناصحیح را کنار گذاشت. در صورت صلاحیت هر یک از طرفین، ضمن احترام به اعتقاد یکدیگر، می‌بایست در این گونه ازدواج‌ها سخت‌گیری ننموده و زمینه برای پیوند آسمانی دو نفر را فراهم کرد (جهان‌دیده، ۱۳۹۲، ص ۶۵).

۹-۱-۴. هم سطح نبودن سن

از دیدگاه روان‌شناسی، بهترین فاصله سنی بین زوجین برای ازدواج ۴ سال است که زوج می‌بایست از زوجه بزرگ‌تر باشد. البته این قاعده مطلق نیست و بسته به ویژگی‌های مختلف زوجین، این وضعیت قابل تغییر است. اما ازدواج‌هایی با فواصل سنی نامتعارف، طبیعتاً بر زندگی مشترک تأثیرگذارده و این مسئله می‌بایست برای ازدواج رعایت شود. مثلاً اختلاف سنی بیست‌ساله بین زوجین، طبیعتاً زمینه مشکلات جدی از دیدگاه اعتقادی و... را فراهم می‌آورد؛ که نیاز است این فواصل تعدیل یابد. اگر از دیدگاه تساهل، به قضیه نگریسته شود، در صورت مناسب بودن دیگر پارامترهای

ازدواج، فاصله سنی زوجین تا حدودی قابل چشم‌پوشی است و می‌بایست در این مورد سخت‌گیری چندانی ننمود. اما اختلافات سنی فاحش، به‌خصوص مواردی که زوجه از زوج بزرگ‌تر است، با توجه به مشکلات خاصی که در پی دارد، نمی‌تواند تساهل‌پذیر باشد. مثلاً بارها دیده شده که زوج در سن جوانی و زوجه در مقطع سن پیری با یکدیگر ازدواج کرده و دلایل دیگری از جمله موضوعات مالی و... علت این ازدواج بوده است. طبیعتاً چنین ازدواج‌هایی در آینده می‌تواند به مشکلات عدیده بیانجامد و نیاز است تنها در فواصل سنی اندک و کمتر از ۱۰ سال (برای بزرگ‌تر بودن زوج) و ۵ سال (برای بزرگ‌تر بودن زوجه) دیدگاه تساهل بیان شود و در غیر این صورت، با سخت‌گیری بیشتر نسبت به آن نگریده شود (جوکار، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

۲-۹. وظایف حکومت اسلامی در مورد ازدواج

در مقدمه قانون اساسی کشور، به ارزش زن و لزوم حفظ این ارزش، توسط حکومت اسلامی توصیه شده است. در اصل دهم نیز آمده است که از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در اصل ۱۲۱ قانون اساسی، یکی از وظایف دولت، حفظ حرمت خانواده عنوان شده است. در اصل ۴۳ نیز که به مسائل مالی و اقتصادی مرتبط است، تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، از وظایف دولت تعیین شده است. بر اساس این مفاد قانونی، دولت می‌بایست از همه امکانات خود، در جهت رفع مشکل ازدواج جوانان بهره‌بردارد. اعطای وام‌های ازدواج با سخت‌گیری نسبتاً اندک که توسط بانک مرکزی دستور داده می‌شود، بر اساس این سیاست دولت است. اما در حیطه این وظایف، فرهنگ‌سازی در مورد ازدواج نیز می‌بایست انجام شود که به عقیده بسیاری، به‌درستی صورت نگرفته است. مصادیق سخت‌گیری در ازدواج بیان شد، متأسفانه این فرهنگ‌های غلط، در حال گسترش بوده و توسط هر فرد ناآگاه به دیگری آموزش داده می‌شود. اما نیاز است که مسئله کلی تساهل و تسامح در ازدواج، فرهنگ‌سازی شده و به خانواده‌ها آموزش داده شود که سخت‌گیری مطلق در ازدواج، می‌تولند به زیان آن‌ها تمام شود. تنها مصادیق تساهل‌ناپذیر که در مورد آن شرح داده شد، می‌تواند علل عدم پذیرش پیشنهادهای ازدواج باشد. هرچند در راستای چنین فرهنگ‌سازی، برخی اقدامات دیگر، همچون اقدامات اقتصادی نیاز است، اما به نظر می‌رسد که اقدامات فرهنگی

می‌تواند در جهت ترویج فرهنگ تسامح در ازدواج، بیشترین کارایی را داشته باشد. متأسفانه امروزه، ورود ماهواره‌ها و شبکه‌های تلویزیونی بیگانه به زندگی انسان‌ها، کاملاً در جهت عکس این قضیه حرکت کرده و خانواده را به بی‌بندوباری و روابط نامشروع پیش از ازدواج فراخوانده که کاملاً به ضرر بنیان خانواده است. بسیاری از خانواده‌های با فرهنگ ایرانی، خود مانع از ورود چنین برنامه‌هایی به زندگی خود شده و کم نیستند خانواده‌هایی که هرگز برای خرید ماهواره اقدامی نکرده‌اند. به‌هرحال، با وجود چنین چالش فرهنگی در کشور، نیاز است که حکومت و دولت در جهت سیاست‌های فرهنگی مناسب به عمل آورده، تا اقدامات معکوس شبکه‌های خارجی بی‌اثر واقع شود (جوکار، ۱۳۹۲، ص ۷).

۱۰. نتیجه‌گیری

چنین بیان شد که تساهل و تسامح با هدف پیشروی برخی ضروریات زندگی ضروری است. اما برخی اصول خاص که خط قرمزها محسوب می‌شوند تساهل‌پذیر نیستند. مصادیق مختلف قواعد تساهل و تسامح در مسائل مختلف؛ همچون اعطای وام و... پیش‌تر بحث شد. در اینجا بحث ازدواج به‌عنوان یکی از ضروریات زندگی بشر و کامل‌کننده هر انسانی مطرح شده و با هدف یک زندگی موفق، توصیه‌های زیادی وجود داشته است که طبیعتاً برخی اصول مهم، می‌بایست تساهل‌ناپذیر باشند. برای تفاهم در هر بخش، نیاز است که سطوح زوجین تقریباً برابر باشند. اختلافات فاحش در برخی سطوح، می‌تواند دیواری بلند بین زوجین کشیده و ازدواجی ناموفق را در پی داشته باشد. اما کم بودن فواصل، می‌تواند چشم‌پوشی شده و به بیان علمای دین، برای انجام امر مقدس ازدواج، می‌بایست سخت‌گیری را کنار گذارده و داشتن شرایط اولیه برای ازدواج کفایت می‌کند. بر این اساس، اختلافات در سطح پائین، با توجه به دیگر بخش‌های تفاهم بین زوجین، می‌تواند به‌موجب قواعد تساهل و تسامح، نادیده انگاشته شود. با توجه به اینکه اجرای این قواعد در ازدواج، تسهیل‌کننده این امر مقدس می‌باشد، نیاز است که نظام اسلامی با توجه به وظیفه‌ای که قانون اساسی بر عهده مسئولین مرتبط گذاشته، در جهت رشد فرهنگ تساهل در ازدواج، تلاش‌هایی به عمل آورده. اقدامات اقتصادی در این‌باره در حال انجام است که نیاز به تقویت دارند. اما اقدامات فرهنگی بیش از دیگر عوامل مؤثر بوده که نیاز است فرهنگ ازدواج آسان و به دور از سخت‌گیری‌های زائد، ترویج یابد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن جوزی، سبط (۱۴۱۴ق). *تذکره الخواص*. تهران: مجمع جهانی اهل بیت، ج ۱، چاپ سوم.
- احسانی، علی (۱۳۸۱). *تساهل و تسامح و حدود آن از دیدگاه عقل و شرع*. تهران: مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، ج ۱، چاپ سوم.
- اسداللهی، طاهره (۱۳۸۲). *تعیین حد و مرز قاعده تساهل و تسامح در فقه اسلامی*. قم: دانشگاه قم، ج ۱، چاپ سوم.
- اسداللهی، طاهره (۱۳۸۳). *جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی و اجتماعی اسلام*. علوم انسانی، ۳۲(۱)، ص ۱-۲۰.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۴۶). *قدرت و مقام زن در ادوار*. تهران: انتشارات میزان.
- باقرپور، سجاد (۱۳۸۱). *آثار حقوقی ناشی از برهم زدن نامزدی*. حقوق خصوصی، ۶(۲)، ص ۱-۵۰.
- بهجت، محمدتقی (۱۳۷۵). *توضیح المسائل*. قم: دفتر آیت الله بهجت، ج ۱.
- جهان دیده، انسیه (۱۳۹۲). *تزام حقوق زوجین*. تهران: دانشگاه تهران.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۰). *حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر*. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۸(۱)، ص ۱۱۶-۷۹.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). *حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر*. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۴(۸)، ص ۱۰-۱.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل شیعیه*. بیروت: بی نا، ج ۱.
- حسینی زادگان، علی محمد (۱۳۹۵). *شاخصه های شریعت سمحه و سهله در آیات و روایات*. قم: آل البيت.
- حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق). *منهاج الصالحین*. قم: دارالقلم، ج ۱.
- داماد افندی، محمد بن سلیمان (۱۰۷۹ق). *مجمع النهر*. قاهره: الازهر، ج ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۸). *فرهنگ لغت دهخدا*. تهران: نشر اندیشه.
- رحمانی، زهرا؛ عبدالله، ناصرعلی (۱۳۹۶). *فرهنگ لغت عربی به فارسی معجم*. تهران: نشر مجد، ج ۱.
- روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۱ق). *المسائل مستحثة*. بیروت: دارالزهرا، چاپ دوم، ج ۱.
- ضیاء، موحد (۱۳۷۷). *فرا تر از تسامح*. کیان، ۴۵(۱)، ص ۱-۳۲.
- طباطبایی، محمد سعید (۱۴۱۷ق). *فقه المغتربین*. بیروت: دارالزهرا، ج ۱.

- طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۸ق). المبسوط. قم: دارالقلم، ج ۱.
- عبده، محمد (۱۳۳۰ق). تفسیر منار. قاهره: الازهر، ج ۱.
- عدوی، ابوالحسن (۱۴۱۵ق). حاشیه کفایه. دمشق: دارالکتب، ج ۳، چاپ یازدهم.
- علامه مجلسی، محمد (۱۴۱۴ق). بحار الانوار. قم: دارالکتب، ج ۴۳، چاپ سوم.
- عمید، حسن (۱۳۹۴). فرهنگ لغت عمید. تهران: نشر اندیشه.
- قاری، ملاعلی (۱۳۵۹ق). احکام شرعیه. بیروت: کتب اسلامی، ج ۱، چاپ نهم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث، ج ۹، چاپ سوم.
- مرادی، علی اصغر (۱۳۹۶). تساهل در نظرات امام خمینی. علوم انسانی، ۲۲(۱)، ص ۱-۲۰.
- معین، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ لغت معین. تهران: نشر نو.
- مودود، عبدالله (۱۴۰۴ق). وصال موصل. قم: دارالحدیث، ج ۲، چاپ دوم.
- موسوی قزوینی، علی (۱۴۲۴ق). ینابیع. قم: جامعه مدرسین، ج ۱.
- نظری، احمدعلی (۱۳۷۹). تحلیلی پیرامون شریعت سهله و سمحه. قم: دانشگاه قم، ج ۱.
- نوابی، علی اکبر (۱۳۷۹). سماحت و سهولت یا تسامح و تساهل اسلامی. پژوهش‌های اجتماعی اسلام، ۲۴(۲)، ص ۲۵-۴۹.